

شیخ مفید؛ مرزبان تشیع

شیخ مفید، آن نابغه بزرگ تاریخ شیعه، نخستین کسی است که در فقه و کلام، مکتب تشیع را مرز بندی و منضبط ساخته، در علم کلام یک نظام فکری منسجم و محدود را از مجموع عقاید شیعه فراهم آورده است.



شیخ مفید، آن نابغه بزرگ تاریخ شیعه، نخستین کسی است که در فقه و کلام، مکتب تشیع را مرز بندی و منضبط ساخته، در علم کلام یک نظام فکری منسجم و محدود را از مجموع عقاید شیعه فراهم آورده است.

به گزارش خبرگزاری رسا به نقل از پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی خامنه‌ای، سده چهارم هجری به واسطه وجود مردی بزرگ فتح‌الفتوح تاریخ شیعی است زیرا که او توانست «دایرةالمعارف جامعی» از معارف اسلامی را تدوین کند که نزدیک به پنجاه سال، پرچمدار عرصه‌های علمی، فکری و فرهنگی مسلمین گردد. سرانجام کار به جایی رسید که دوست و دشمن زبان به تمجید او گشودند و قلم به تعریف او برگرفتند، این انسان بزرگ کسی نیست جز شیخ مفید.

متن ذیل بخشی از پیام حضرت آیت الله خامنه‌ای (دام ظلّه) به کنگره هزاره شیخ مفید است:

هزار سال پیش از این، در یکی از روزهای پر حادثه بغداد، میدان «اشنان»، بر مردمی که به خاطر واقعه‌یی غم‌انگیز در آن انبوه شده بودند تنگ آمد. و هزاران چشم بر مردی که مرگش حادثه‌یی بزرگ بود، گریست. و ده‌ها هزار نفر بر جنازه انسان والایی نماز گزارند که پنجاه سال، چون مشعلی تابناک، بخش گسترده‌یی از جهان اسلام را با دانش و معرفت خود، روشن ساخت، و در کرانه دجله بغداد، دجله دیگری از علم و معرفت به راه انداخته بود. تندباد حوادث تلخ و خونین در پایتخت عباسی و طوفان تعصبات و بد دلی‌ها نتوانسته بود چراغ علم و عملی را خاموش سازد که به شجره زیتونه علوم قرآن و معارف اهل بیت (علیهم‌السلام)، متصل گشته و با مصباح خرد بشری تلاؤل یافته بود. و خار و خاشاک کج‌فهمی‌ها و بدسگالی‌ها نتوانسته بود در برابر آن شطّ خروشان سدا گردد که فقه و کلام و عقل و نقل را در بستر پر فیض به سرزمین‌های حاصلخیز رسانیده بود.

حضور مفید در محشر آراء و افکار زنده علمی و کلامی، به نشر کتب یا ذکر آراء او نیست - اگر چه نشر کتب و ذکر آراء او مقتضای شکر منت او بر همه متکلمان و فقهای پس از اوست - بلکه این حضور درخشان، به تداوم روند و خط سیری است در فقه و کلام که او گشاینده و مؤسس آن بوده است.

نکته درباره «جایگاه مفید در خط سیر تفکر علمی تشیع در دو زمینه کلام و فقه» است و آن نکته در عبارتی کوتاه این است که: شیخ مفید در سلسله علمای امامیه، فقط یک متکلم و فقیه سر آمد و برجسته نیست، بلکه فراتر از این، وی مؤسس و سرحلقه جریان علمی رو به تکاملی است که در دو رشته کلام و فقه، تا امروز در حوزه‌های علمی شیعه امتداد یافته و با وجود برکنار نماندن از تأثرات تاریخی جغرافیایی و مکتبی، ویژگیهای اصلی و خطوط اساسی آن همچنان پابرجاست مانده است.

با ظهور شیخ مفید و گسترش صیت دانش او بتدریج بغداد که مرکز سیاسی و جغرافیایی قلمرو اسلامی بوده به مرکز اصلی علوم و معارف شیعی نیز بدل می‌شود و نه فقط مرجع حل مسائل فکری و دینی شیعه که کعبه آمال طالبان علم نیز می‌گردد.

بی شک محور و نقطه درخشان و مایه درخشش این حوزه شیخ مفید بوده است. او با نبوغ و استعداد خارق العاده و تلاش بی وقفه خود و با بهره‌گیری از موقعیت استثنایی شهر بغداد به عنوان مرکز سیاسی و جغرافیایی جهان اسلام و رفت و آمد چهره‌های علمی مذاهب مختلف به آن، به جامعیتی بی نظیر دست یافته، و آنگاه چون قطب و محور جذابی، عنصر متمایز کننده حوزه شیعی بغداد در زمان خود شده است. با نظر به آثار علمی این شیخ بزرگوار و سایر قرائن، آشکار می‌گردد که مفید مجمع و ملتقای شگفت انگیزی است از بیشتر ویژگیهایی که چهره‌های شاخص شیعه تا آن زمان بدان اشتهار داشته‌اند: در او فقه قدیمین و ابن بابویه و جعفر بن قولویه، کلام ابن قبه و بنی نوبخت، علم الرجال کشی و برقی، حدیث صدوق و صفار و کلینی به اضافه قدرت جدل و هموردی فکری بی نظیر و بسی برجستگیهای دیگر یکجا گرد آمده بود. آنان البته هر یک مشعلی بر سر یکی از راههای معارف اهل بیت‌اند. اما مفید، چون چلچراغی، مجمع و ملتقای همه آن‌ها به شمار می‌رود. و این چیزی است که پیش از او در هیچ یک از شخصیت‌های علمی شیعه سراغ نداریم. در یگانه بودن او همین بس که ابن ندیم (م 380) وی را در سنین پیش از 44 سالگی سر آمد همه شیعه در فقه و کلام و حدیث معرفی می‌کند. و ذهبی که در تاریخ الاسلام با لحنی کینه آلود و دور از انصاف از وی سخن گفته، در عین حال از ابن ابی طی درباره او نقل می‌کند که: او در همه علوم، یگانه بود: در اصولین، در فقه، در اخبار و معرفت رجال، در قرآن و تفسیر، در نحو و شعر ... در همه این علوم وی سر آمد همگان بود و با پیروان هر عقیده‌یی مناظره می‌کرد.

باری، مفید کسی است که علوم گذشتگان در تکامل خود، در او مجتمع گشته بود و به برکت چنین شخصیت جامع و چند بعدی و همه جانبه‌یی، حوزه علمی شیعه بدانگونه که قرن‌ها پس از آن استمرار یافت، پایه گذاری شد که در آن فقه و کلام و اصول و ادب و حدیث و رجال در کنار یکدیگر و مکمل یکدیگر تدریس و تحقیق و متکامل می‌شد. و همین حوزه است که در نقطه‌یی بس والا، سید مرتضی و در اوج قله کمال، شیخ الطائفة محمد بن الحسن الطوسی را پدید آورد.

با توجه به آنچه درباره بی سابقه بودن پدیده شیخ مفید و حوزه بغداد معاصر او گفته شد، حقاً باید مفید را بنیانگذار حوزه‌های علمی شیعه با قواره‌یی که در قرن‌های پس از آن دیده می‌شود، دانست یعنی جایی که در آن مجموعه‌یی از دانش‌های عقلی و نقلی اسلامی آموخته و تدریس می‌شود و متخرج آن در همه یا اکثر آن علوم تبحر می‌یابد.

برای تبیین این نکته لازم است نقش مؤثر و تعیین کننده مفید:

- 1 - در تثبیت هویت مستقل مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام)
- 2 - در بنیانگذاری شکل و قالب علمی صحیح برای فقه شیعه

3 - در آفرینش شیوه جمع منطقی میان عقل و نقل در فقه و کلام تعریف شود.

بنای رفیعی که فقهاء و متکلمین شیعه در طول ده قرن گذشته برافراشته و گنجینه بی نظیری که از آثار علمی خود پدید آورده‌اند همه بر روی قاعده‌یی است که شیخ مفید با این سه بعد جهاد علمی خود پی افکنده است.

1 - تثبیت هویت مستقل مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام)

پس از آغاز دوران غیبت و به ویژه بعد از انتهاء دوره 74 ساله غیبت صغری و انقطاع کامل شیعیان از امام غائب (ارواح‌نفاذ)، یکی از خطراتی که کلیت مکتب اهل بیت را تهدید می‌کرد این بود که اشتباه و انحراف عمدی یا غیر عمدی کسانی از منسوبین به این مکتب، چیزهایی را از آن کاسته یا به آن بیافزاید، و یا بر اثر کم رنگ شدن مرزبندی‌های اصولی مکتب، خطوط انحرافی با آن آمیخته و انحرافات مسلک‌های اعتقادی یا مذهب‌های جعلی با حقایق آن ممزوج گردد.

این‌جاست که یکی از مهم‌ترین وظایف رهبران امت در آن برهه از زمان رخ می‌نماید، وظیفه‌یی که درست به انجام رسیدن آن می‌توانسته است به معنای حفظ مذهب و معادل جهادی سرنوشت ساز باشد. و آن وظیفه عبارت است از این‌که تشیع به مثابه یک نظام فکری و عملی، مرزبندی شود و برای آن از لحاظ عقیدتی و عملی با استفاده از میراث ارزشمند سخنان ائمه (ع) چهار چوبی ترسیم گردد. و بدین گونه هویت مستقل و مرز بندی شده مذهب اهل بیت (ع) مشخص گشته در معرض فهم و استفاده پیروانش قرار گیرد. این کار به علماء و متفکران شیعه این امکان را می‌داد که انحراف اصولی یعنی خروج از حیطه مبانی مذهب در فقه و کلام را، از اختلاف نظرهایی که در داخل محدوده مکتب پیش می‌آید، بتوانند جدا کرد.

بی شک این کار تا پیش از زمان مفید (ره) انجام نشده است. وجود گرایش قیاسی در فقه ابن جنید و گرایش‌های معتزلی در کلام خاندان نوبخت، بهترین دلیل بر این مدعا است و این فقط دو نمونه از نتایج و تبعات مرزبندی نشدن مکتب تشیع در زمینه‌های اصول و فروع دین است. در عرصه فقه، بهره نگرفتن از مبانی عقلی و اصولی استنباط و تفریع فرع بر اصل که از تعالیم مسلم ائمه (علیهم‌السلام) است، و یا در طرف مقابل، لغزیدن به وادی قیاس، دو سوی انحراف غیر عمدی از مکتب و نتیجه مرزبندی نشدن و عدم ترسیم چهار چوب روشن برای آن محسوب می‌گردد. و در عرصه کلام، مظهر عمده انحرافی که ناشی از عدم تحدید حدود مذهب است، همانا خلط کلام شیعی با کلام معتزلی است. در مورد اخیر، عوارض ناشی از مرزبندی نشدن مذهب بسی زیاد و خسارت‌بار بوده است.

این نابغه بزرگوار با احساس نیاز زمان و با تکیه بر قدرت علمی خود وارد این میدان دشوار شد و کار بی سابقه و بس مهم و حساسی را آغاز کرد و به حق باید اذعان کرد که از عهده این کار بزرگ بر آمده است. مدعا این نیست که پس از کار مفید هیچکس در فهم محتوای تشیع دچار جهل و گمراهی نشده یا نمی‌توانسته بشود. بلکه مدعا این است که فهم این مکتب و شناخت حدود و مرزهای آن برای آن کس که در طلب آن بوده، میسر گردیده و در فقه و کلام، مدرسه اهل بیت (ع) بی آن‌که با نحلّه دیگری مشتبه شود با نشانه‌ها و ویژگیهای خاص خود همواره در معرض فهم و شناخت پژوهشگران قرار گرفته است.

مفید برای تأمین این هدف بزرگ، به یک سلسله کار علمی دست زده، که هر یک درخور بررسی و تحقیقی مستقل است. من به اشاره‌یی به فهرست این کارها در دو عرصه فقه و کلام بسنده می‌کنم. در فقه کتاب مقنعه را که یک دوره تقریباً کامل فقه در آن گرد آمده تصنیف کرد، و در آن، صراط مستقیم و خط میانه استنباط فقهی را که ترکیبی از استخدام ادله لفظیه و قواعد اصولیه است، و با اجتناب از قیاس و استحسان و دیگر ادله غیر معتبر، پیمود.

به علاوه کتاب «التذکره باصول الفقه» را ابداع کرد و در آن تا آن‌جا که با تکیه بر وجود کتاب و نوشته‌یی بشود گفت، برای نخستین بار قواعد استنباط فقهی را گرد آورد و براساس آن فتوا داد.

کار وسیع‌تر و مهم‌تر مفید در این زمینه - یعنی تثبیت هویت مستقل مکتب تشیع - در عرصه علم کلام انجام گرفته است. در این میدان شیخ بزرگوار ما با دقت و تیز بینی بر آن است که مرز میان عقاید تشیع و دیگر نحلّه‌های کلامی را مشخص کند و از ورود عناصر اعتقادی دیگر فرق اسلامی یا شیعی، به محدوده عقاید امامیه و نیز از نسبت دادن افکار غلطی که شیعه امامیه از آن مبرا است، به مکتب تشیع جلوگیری نماید. بدین جهت است که وی با این‌که در مقام مجادله با مذاهب دیگر، همه مکاتب زمان خود را به مباحثه فرا می‌خواند و با اشعری و معتزلی، مرجئی و خارجی، مشبه و اهل حدیث، غالی و ناصبی، و دیگر شعب فرق کوچک و بزرگ منتسب به اسلام به بحث و گفتگو بر می‌خیزد، اما در این میان با مکتب اعتزال و شاخه‌های معروف آن بیش از همه مواجهه فکری می‌یابد و در کتب و رسائل کوچک و بزرگ متعددی به نقد و رد نظرات معتزله در مباحث مختلف می‌پردازد. سر این مطلب آن است که در میان فرق مختلف اسلامی، معتزله به خاطر شباهت میان برخی از اصول آنان با اصول تشیع، در معرض این شبهه قرار گرفته‌اند که مکتب آنان اصل و منشأ بسیاری از عقاید شیعه است و یا حتی بالاتر از این، اعتزال همان تشیع است با تفاوت‌هایی در میان. و این به نوبه خود این گمان غلط را پدید آورده که مجموعه کلام شیعه، زائیده کلام معتزلی، یا اصول کلام شیعی همان اصول کلام معتزلی است و همان‌طور که قبلاً گفته شد تبعاتی بر این پندار غلط مترتب گشته است. در حقیقت پرداختن به عقاید معتزله در کتب مفید، مصداق برجسته‌یی است از همان خصوصیت مرزبانی از کلیت مکتب تشیع و اثبات استقلال و اصالت نظام کلامی آن است.

دراین‌باره مهم‌ترین اثر شیخ عالی مقام، کتاب معروف «اوابیل المقالات فی المذاهب و المختارات» است که برای بیان فرق میان شیعه و معتزله نوشته شده است. بنابر آنچه خود آن بزرگوار در مقدمه کتاب نوشته است حتی اختلاف این دو فرقه در بعضی مسائل اصولی مورد اتفاق مثل مسأله عدل نیز در آن مورد توجه قرار گرفته و جدایی آن‌ها از یکدیگر بیان شده است.

شیخ مفید، آن نابغه بزرگ تاریخ شیعه، نخستین کسی است که در فقه و کلام، مکتب تشیع را مرز بندی و منضبط ساخته، در علم کلام یک نظام فکری منسجم و محدّد را از مجموع عقاید شیعه فراهم آورده و از اشتباه آن با دیگر مذاهب و فرق اسلامی و شعب غیر امامی مذهب شیعه، جلوگیری کرده و در علم فقه با روش استنباط مبتنی بر اصول متخذّه از تعالیم اهل بیت (ع) یک دوره فقه فراهم آورده و راه را بر روش‌های نامعتبر همچون قیاس، یا ناقص و ابتدایی همچون روش اهل حدیث، مسدود ساخته است.

و به عبارت دیگر: او کسی است که هویت مستقل مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) را تثبیت کرده است.

2 - بنیانگذاری شکل و قالب علمی صحیح فقه شیعه

فقاہت به معنای استنباط حکم شریعت از منابع کتاب و سنت، در شیعه دارای سابقه‌یی طولانی است. ... میان آنچه فقهای اصحاب ائمه (ع) در باب فقاہت و افتاء انجام می‌دادند، با آنچه از فقاہت در دوران‌های شکوفایی فقه شیعه فهمیده می‌شود یعنی رد فروع به اصول و استنباط صدها قاعده کلیه و هزاران حکم فقهی پیچیده و مشکل از کتاب و سنت و حکم عقل، و تفریع فروع بشماري که قادر باشد در غیبت امام معصوم همه سؤال‌های مکلفین را از شریعت پاسخ گوید و حلال و حرام خدا را در همه ابواب با همه جزئیات بیان کند، فاصله‌یی ژرف وجود داشت و این فاصله باید به مرور و با پیشرفت تدریجی فقاہت پر می‌شد.

بی شک فقهای پیش از مفید قدم‌های ارزنده‌یی در این راه برداشته‌اند، لیکن این شیخ بزرگ با قدرت فکری نبوغ آسای خود، در این عرصه نیز مبدأ یک تاریخ پر تحول و سر سلسله یک جریان زاینده و رو به عمق و افزایش، محسوب می‌گردد. گویا پس از چند قرن جمع آوری منابع فقه یعنی کلمات صادره از معصومین و افتاء براساس متون و ظواهر روایات، در مقطعی از تاریخ فقه لازم بوده است که این ذخیره و سرمایه ارزشمند به قالب اندیشه علمی زده شود و شیوه‌یی فنی برای استنباط ابتکار گردد.

پیش از شیخ مفید دو جریان متفاوت در فقه شیعه وجود داشته است یکی جریانی است که فرد شاخص آن علی بن بابویه (متوفی 329) است و شاید بشود آن را جریان قمیین نامید و به گمان زیاد، استاد مفید در فقه یعنی جعفر بن قولویه (متوفی 368) نیز از آن زمره است. فقاہت در این جریان به معنای افتاء بر طبق متون روایات است.

جریان دوم نقطه مقابل این جریان و متکی به استدلال و به ظن غالب، متخذ و سرمشق گرفته از فقه سنی است و دو چهره معروف این جریان حسن ابی ابی عقیل العمانی و ابن جنید الاسکافی (متوفی احتمالاً 381) می‌باشند.

چنانکه ملاحظه می‌شود هر یک از دو جریان فقاہت از جهتی ناقص است. در جریان اول، فتوا همان متن روایت است بدون تفریع و رد فرع بر اصل و بحث و مناقشه و نقد و استنتاج. اجتهاد به معنای مصطلح آن، در فقاہت دخالت و تأثیری ندارد. و در جریان دوم اگر چه استدلال و نظر هست، لیکن گویا آن نیست که به اقتضای تعالیم مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) باید باشد، با قیاسی همراه است و یا به نحوی است که به آراء شاذه، منتهی می‌شود و بگونه‌یی است که در حوزه فقاہت شیعه قابل دوام نیست.

فقه مفید از این هر دو عیب، پاک و دارای هر دو مزیت است: هم تکیه بر روش‌های معتبر نزد امامیه و هم استفاده از اجتهاد مصطلح و دخالت دادن عنصر استدلال و استنباط نظری در فقه. بنابر این او همان کسی است که قالب علمی مقبول و معتبر نزد شیعه را به دست آورد و مواد مأثور و اصول متلقاة را نظم علمی بخشید و آن را در حوزه فقاہت شیعه باقی گذارد، و این همان است که بعد از او تا قرن‌ها و تا امروز، جریان قانونمند فقاہت، آن را دنبال کرده و به شکوفایی و رشدی که امروز از آن برخوردار است رسانده است.

برای این‌که با ارزش و اهمیت کار فقهی مفید آشنایی اجمالی پیدا شود به سر فصل‌های سه گانه در این مورد اشاره می‌کنیم:

الف) کتب مقنعه: مقنعه یک دوره تقریباً کامل فقه است، هیچ کتاب فقهی پیش از آن با این خصوصیت وجود ندارد.

ب - رساله‌های فقهی: این رساله‌ها به وجود حجم کم، گویای عمق دانش فقهی شیخ بزرگوار است.

ج - کتاب التذکرۃ باصول الفقه: در شیعه اولین کتاب اصول را (تا آن‌جا که میدانیم) شیخ مفید نوشته است، و آن همین کتاب کوچک و پر محتوای «التذکرۃ باصول الفقه» است که احتمالاً انتخابی است که به وسیله شاگرد وی شیخ ابوالفتح کراچکی (م - 449) از اصل کتاب مفید - که آن نیز خود کتاب مختصری بوده است - انجام یافته است. این کتاب با همه اختصار دارای اهمیت زیادی است. زیرا: اولاً این نخستین کتاب در اصول فقه در شیعه است... ثانیاً در آن، مباحث بسیاری با عبارات کوتاه آمده و بخصوص در مباحث الفاظ، سرفصل‌های متعددی مشتمل بر اباحت مهم در آن مشاهده می‌شود. ثالثاً در بعضی از مباحث آن، نظر شیخ بزرگوار به آنچه در زمانهای بسیار متأخر از سوی محققان اصولی ذکر شده، بسی شبیه و نزدیک است. از آنچه گفته شد آشکار می‌گردد که شیخ بزرگوار ما با نگارش کتاب اصول، مقدمات لازم برای ابداع یک قالب علمی و فنی جهت استنباط فقهی را تدارک می‌دیده است. علم اصول برای او مجموعه‌یی از معارف ذهنی و شبه کلامی نیست.

3 - آفرینش شیوه جمع منطقی میان عقل و نقل در فقه و کلام

در این‌جا نیز شیخ عالی مقام راه تازه‌یی میان عقل گرایی مطلق معتزله و پیروان آنان از شیعه - مانند بنی نوبخت - و حدیث گرایی شیخ صدوق گشوده است.

کار بزرگ مفید اثبات این مطلب است که عقل مستقلاً از فهم همه مباحثی که در علم کلام مطرح می‌شود، ناتوان است، مثلاً در باب صفات باری مانند اراده و سمع و بصر و امثال آن، عقل به مدد وحی است که می‌توان در وادی معرفت درست گام نهاد و به تنهایی وارد شدن در این وادی که مربوط به حضرت حق (جلّ و علا) است، ورود در ورطه ضلالت است، و این در واقع مضمون همان روایاتی است که آدمی را از تکلم در باب خدای متعال نهی می‌کند. پس کار مفید، محروم کردن عقل از قلمرو متعلق به او - که در آن سمع و وحی را راه نیست - یعنی وادی اثبات صانع و استدلال بر وجود باری یا توحید یا نبوت عامه نیست، بل محدود کردن عقل به همان حدودی است که خالق عقل برای او معین کرده است تا به گمراهی نیفتد.

بدین‌گونه مشخص می‌گردد که جمع میان حجّت عقلی و دلیل نقلی در مشی کلامی مفید یکی از کارهای برجسته و ابداعی آن استاد کل است.

آن نابغه عالی‌مقام این جهاد علمی طولانی و پی افکندن کاخ دانش فقه و گشودن راه میانه در کلام را در اوضاع و احوال اجتماعی دشواری انجام داده است. حکومت آل بویه در بغداد اگر چه فضای مناسبی برای بحث آزاد علمی پدید آورد، اما به هیچ‌وجه مشکل برخورد‌های تعصب آمیز فقهاء حنبلی و فشارهای دستگاه حکومت عباسی بر شیخ مفید و عموم شیعیان را نتوانست حل کند.